

بررسی تاثیر آموزش‌های پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش- آموزان کلاس اول ابتدایی

اکرم قرشی نوق

کارشناس رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور رشتنور - ایران

akram.gh6213@gmail.com

چکیده

مقدمه: رشد مهارت‌های اجتماعی مهمترین جنبه رشدی در کودکان برای رسیدن به سازگاری با محیط خانواده و جامعه است و با توجه به نقش مهمی که مراکز پیش دبستانی بعد از خانواده در رشد کودکان دارند بررسی رشد مهارت‌های اجتماعی در این مراکز دارای اهمیت قابل توجهی است. مهارت‌های اجتماعی که از جمله خطوط مهم رشد محسوب می‌شوند، به گونه‌ای است که بسیاری از روانشناسان معتقدند که تحول آن‌ها زمینه ساز تحقق عملکردهای دیگر کودکان در سال‌های آینده است. چنانچه تأخیر تحولی در زمینه‌هایی مانند شناخت، زبان و مهارت‌های حرکتی وجود داشته باشد از مشکلات جدی در آینده خبر می‌دهد، آموزش پیش دبستانی می‌تواند از طریق غنی‌سازی محیطی، کودکان را قادر سازد تا به تجارب ادراکی و ذهنی جدیدی که احتمالاً در محیط معمول خانواده برای آنان امکان پذیر نیست بپردازند. با توجه به تاثیرات دوره پیش دبستانی وامکاناتی که این دوره برای کودکان فراهم می‌سازد می‌توان آن را گام مهمی در جهت رشد استعداد‌های کودکان دانست. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش‌های پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان کلاس اول ابتدایی انجام شده است.

روش: روش پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. افراد نمونه به روش تصادفی ساده به تعداد ۱۱۲ نفر از کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشتخوار به همراه ۲۰ نفر از مربیان آنها انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته آموزش پیش دبستانی و پرسشنامه رشد مهارت‌های اجتماعی واینلند می‌باشد.

یافته‌ها: بین آموزش‌های دوره پیش دبستانی با رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. رگرسیون ابعاد آموزش پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان مشخص کرد ۵۶ درصد از واریانس رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان توسط آموزش پیش دبستانی تبیین می‌شود.

نتایج: مطالعات نشان داد که گذراندن دوره پیش دبستانی تا حد زیادی می‌تواند بر رشد و شکوفایی استعداد‌های کودکان اول دبستان تاثیرگذار باشد و این نشانگر این موضوع است که این گروه از دانش آموزان تحت تاثیر آموزش‌های پیش دبستانی دارای روند رشد مهارت‌های اجتماعی مطلوبی بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آموز، پیش دبستانی، مهارت‌های اجتماعی، دانش آموز، کلاس اول.

۱- مقدمه

مهارت‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از رفتارهای آموخته شده است که نقطه‌ی شروع موفقیت و تداوم بر همکنش‌های اجتماعی مثبت مانند، کمک کردن، شروع روابط، کنترل خلق و خو و به عبارتی رشد اجتماعی می‌شود (گریشام، به نقل از بری و ارین، ۲۰۱۰). رشد مهارت‌های اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله: خانواده، مراکز تعلیم و تربیت، گروه همسالان، تلویزیون، جنسیت، نژاد، وضعیت اجتماعی اقتصادی و غیره قرار دارد که نوع و چگونگی وضعیت آنها ممکن است سبب تسریع رشد مهارت‌های اجتماعی یا بر عکس کنونی آن شود (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۵). از طرفی آموزش و پرورش سنگ زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه است. بررسی عوامل موثر پیشرفت و ترقی در جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند (مصطفایی، ۱۳۸۷).

همه کشورها به معلمان اثربخش با انگیزه و کارا، به عنوان یک فرضیه‌ی اصلی آموزش و پرورش نیاز دارند، تا بتوانند خود را در قالب سیستم تعلیم و تربیتی خوب، پرورش داده و برای آینده‌ی بهتر آماده سازند در شرایط کنونی نیاز کشور ما به چنین معلمانی، بیش از سایر کشورهاست. علی‌رغم این نیاز مبرم، هنوز به نیازهای مادی و معنوی معلمان کم توجهی می‌شود و این گونه بی‌توجهی‌ها با ابزار کمبود بودجه توجیه می‌شود (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۱).

در تحقیق حاضر سعی شده است اثرات آموزش دوره پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی، هوش و علاقه به مدرسه در دانش آموزان سال اول ابتدایی روشن شود. محیط‌های اجتماعی نظیر مهدکودک، نهادهای دیگری به جز خانواده در آموزش هنجارها و ارزش‌ها به فرزندان دخالت دارند و با افزایش سن کودک به مرور از نقش خانواده‌ها کاسته و بر نقش این کانون‌ها در الگودهی به شخصیت کودک افزوده می‌شود. مهدکودک، برای بچه‌ها عموماً جذابیتی بیش از خانه و خانواده دارد و نیز نقشی بسیار اساسی و مهم در تربیت کودکان ایفا می‌کند. (حسینی زاده، ۱۳۸۵)

بنابراین برای به ثمر نشستن این نهال‌های ترد و شکننده و کمک به رشد صحیح آنان باید محیطی امن و عاری از هر انحرافی برای تربیت آنان فراهم ساخت. بسیاری از کودکان با رشد روزافزون تعداد مادران شاغل، بیش از نیمی از روز خود را در مهدها سپری می‌سازند و رفتارها، ارزش‌ها و الگوهای بسیاری را از این مکان‌ها کسب می‌کنند، حال این میریبیان و مسئولان مهدها هستند که باید ضمن عنایت به وظیفه خطیر تعلیم و تربیت، و بهره‌گیری از شیوه‌های مثبت و کارآمد دینی، علمی و روانشناسی، در ساختن نسل آتی کمر همت ببندند. اگر مهدها به مکان‌هایی جز «محل نگهداری» کودکان تبدیل شوند، به عبارت دیگر به وظیفه اصلی خود که جامعه‌پذیری و تربیت صحیح کودکان و نه صرف نگهداری از آنان، بدل شوند، نسل کارآمد و شایسته‌ای را تحویل جامعه خواهند داد. مهدکودک‌ها و مراکز پیش دبستانی وظیفه آموزش فعالیت‌های پیش از دبستان و آماده کردن کودک برای ورود به دبستان را بر عهده دارند. (جوادی، ۱۳۸۰)

نظریه پردازان مختلف و از جمله اندرسون (۱۹۸۲) بر این باورند که آموزش‌های دوره پیش دبستانی و مدرسه بر رشد همه جانبه دانش آموزان تأثیر دارد (بری و ارین، ۲۰۱۰). بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده، این تحقیق سعی در پاسخ به این سؤال دارد که آیا ارتباطی بین آموزش‌های مراکز پیش دبستانی و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان وجود دارد؟

بیان مساله

نتایج مطالعاتی که در این حوزه انجام شده بیانگر آن است که ارائه برنامه‌های پیش دبستانی نه تنها موجب تغییرات در توانایی‌های ذهنی کودکان می‌گردد، بلکه اثرات دراز مدتی نیز بر سازگاری آنان یا محیط کلاس و پیشرفت تحصیلی در دوره دبستان بر جای می‌گذارد. با توجه به این مسأله است که باید برای ایجاد پیشرفت در امور زندگی به دوره ۶ ساله اول زندگی توجه خاصی مبذول شود تا زیر بنای محکمی برای مراحل بعدی پی‌ریزی گردد. با توجه به اینکه عده‌ای از دانش آموزان قبل از ورود به دبستان و قبل از اینکه دوره‌ای جدید از زندگی خود را شروع کنند به جایی قدم می‌گذارند که یک طرف فرد را آماده ورود به دبستان می‌کند و از طرف دیگر به فرد آموزش‌هایی می‌دهد که او را دقیقاً از وابستگی به خانواده جدا می‌کند و نیز به او می‌آموزد که زندگی فقط محصور به خانواده نیست و او باید از تجربه‌های استفاده کند. پی‌اژه روی این موضوع تأکید می‌کند به کودک در دوران پیش دبستانی باید فرصت کافی برای رشد کاربردهای حسی - حرکتی داده شود و توجه او به کنفرانس بین

المللی آموزش عمومی در اوایل سال ۱۹۳۹ این است که برای کودکان پیش دبستان باید وسایل مختلف آموزش حسی و حرکتی داده شود و خواندن و نوشتن برای سالهای اول دبستان گذاشته شود. مطالعات متعددی در فرهنگ‌های مختلف نشان داده است که کمبود محرکهای محیطی و عدم امکان تجارب حسی حرکتی و ذهنی در دوران کودکی دوم و پیش دبستانی، اثرات نامطلوبی بر روند رشد روانی و اجتماعی کودکان دارد، بعلاوه نشان داده شده است که غنی‌سازی محیط از طریق افزایش محرکهای اجتماعی، ادراکی و عاطفی موجب عقب ماندگیهای رشدی حاصل از فقر محیطی می‌شود، در این پژوهش قصد داریم با بررسی جامعه‌ای مشخص از کودکان مقطع ابتدایی به بررسی نقش و تاثیر گذراندن دوره پیش دبستانی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان کلاس اول ابتدایی بپردازیم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت مسأله‌ی میزان رشد مهارت‌های اجتماعی در دوره ابتدایی ناشی از اهمیت یادگیری دانش آموزان در پیش از این مقطع تحصیلی است. با توجه به اهمیت نقش ابتدایی در ابعاد مختلف تحصیل، اهمیت و ضرورت بررسی و تحقیق علمی در مورد عوامل تأثیر گذار بر میزان رشد مهارت‌های اجتماعی در این دوره در بین دانش‌آموزان قابل توجیه است.

بررسی وضعیت کودکان در مقطع ابتدایی از اهمیت بالایی برخوردار است، بررسی نقش و تاثیر عامل پیش دبستانی می‌تواند از جهات گوناگون دارای اهمیت باشد، توجه به گذراندن دوره پیش دبستانی می‌تواند تاثیر بسزایی در رشد مهارت‌های اجتماعی و وضعیت تحصیلی دانش آموزان در مقطع ابتدایی خصوصا کلاس اول داشته باشد، آموزش هایی که در مراکز پیش دبستانی به کودکان داده می‌شوند، زمینه‌ی رشد مهارت‌ها، یادگیری مفاهیم ریاضی، استدلال کردن، خواندن و نوشتن و زبان آموزی را به شکل غیرمستقیم فراهم می‌کنند. محور اصلی در این آموزش‌ها بازی است. بازی کار کودک است. بنابراین باید آن را با ارزش، مثبت و برای کودک ارزشمند تلقی کرد. با فراهم کردن شرایط مناسب این امکان برای کودک مهیا نمود. آموزش و پرورش کودکان در این مرحله از آموزش و پرورش رسمی است که هدفها و محتوای و برنامه و روشها و ابزارهای خاصی خود را دارد و پایه مهمی برای سایر دوره‌های آموزش و پرورش عمومی است در این مرحله از آموزش دوره‌ای که مخصوص کودکان پنج و شش ساله است دوره آمادگی برای ورود به دبستان یا اصطلاحاً دوره پیش دبستانی نامیده می‌شود که اساساً زیر نظارت آموزش و پرورش است در این دوره است که کودکان برای اولین بار از استقلال خویش بهره می‌گیرند. در این دوره است که نقش نهاد خارج از محیط خانواده یعنی نقش کودکان در رشد و پرورش و یادگیری کودک اهمیت می‌یابد ولذا برنامه‌ریزی منسجم و هدفدار آموزش و پرورش ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. در پژوهش حاضر نقش مهم آموزش پیش دبستانی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان کلاس اول ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه پژوهش :

سارلی و قورچایی (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با موضوع آموزش پیش دبستانی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبستانی انجام دادند. نتایج نشان داد امروزه آثار مثبت و سازنده برنامه‌های پیش از دبستان و اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش در دوره پیش دبستانی بیش از گذشته مورد نظر است. چنانچه کودکان شرکت کننده در این دوره‌ها بطور پیوسته در دو دهه گذشته افزایش یافته است و بر استفاده از شیوه‌های ویژه برای حمایت از این دوره‌ها توجه زیادی شده است. هدف نوشتار حاضر بررسی آموزش پیش دبستانی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبستانی می‌باشد که جهت تحقق این موضوع، مولفه‌هایی چون ضرورت آموزش پیش از دبستان، تعریف آموزش و پرورش پیش دبستانی، ضرورت توجه به رشد کودک در دوره پیش از دبستان، رابطه پیش دبستانی با دبستان و ... مورد مذاقه قرار خواهند گرفت. از این روش غالب در این مقاله، روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش برداری اقدام به جمع آوری اطلاعات و داده‌های لازم خواهد شد.

رحیمی (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با موضوع آموزش پیش از دبستان انجام داد. نتایج نشان داد امروزه بسیاری از اندیشمندان، سالهای پیش از دبستان را پرثمرترین سالها برای یادگیری و آموزش میدانند. آموزش و پرورش پیش از دبستان از دیر باز همگام با برنامه‌ریزی در امر تعلیم و تربیت کودکان دوره‌ی دبستان در کشورمان به عنوان یک مرحله‌ی آموزشی مطرح بوده است. مسئله‌ی تعلیم و تربیت کودکان در سالهای اولیه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف از این مقاله کودکان و آموزش پیش

دبستانی می باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و از مطالعه اسناد، مدارک و منابع مرتبط مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد: کودکانی که آموز شهای پیش دبستانی را می گذرانند نسبت به کودکانی که این آموز شها را ندیده اند مستقل تر و منظم تر هستند و از ثبات عاطفی بیشتر واضطراب کمتری برخوردارند. لذا سرمایه گذاری صحیح در آموزش پایه ی پیش دبستانی و انتخاب برنامه ی آموزشی با کیفیت بالا نه تنها باعث افزایش آمادگی و اشتیاق کودکان برای ورود به مدرسه و اجتماع می شود بلکه آموزش های پیش دبستانی در بالا بردن بهره هوشی موثر شناخته شده اند.

نتایج چندین مطالعه، همبستگی شایان توجهی (۰/۴-۰/۱) بین پیشرفت تحصیلی در دوره ابتدایی و پیش دبستانی را نشان داده است (بروک اور ۲، ۱۹۸۱؛ مارش ۳، ۱۹۸۴؛ اسکالویک ۴، ۱۹۸۶). بین پیشرفت تحصیلی و پیش دبستانی کلی نیز همبستگی ۰/۳ تا ۰/۴ یافته شده است (روبین ۵، ۱۹۷۸؛ اسکالویک، ۱۹۸۴، ۱۹۸۶). از طرف دیگر هانسفورد ۶ (۱۹۸۲) طی تحقیق خود رابطه معناداری (همبستگی در حدود ۰/۶) بین خود پنداره توانایی و پیش دبستانی کلی به دست آورد (بیابانگرد، ۱۳۸۰).

فستینگر (۱۹۵۴) طبق این تئوری، پیش بینی فرد به عملکردش در گروه اجتماعی مورد مقایسه (به ویژه در میان همکلاسان که اهمیت زیادی دارند)، بستگی دارد. (راجرز، اسمیت و کلمین، ۱۹۸۷). مطابق نظر (دیویس، ۱۹۷۸) دانش آموزان ممکن است در صورتی که خودشان را با اکثریت همکلاسی هایشان مقایسه نمایند، اشتیاق نسبتاً پائینی داشته باشند. پارکر و مارش (۱۹۸۴) نیز نظری مشابه همین نظر، از طریق فرضیه «چهارچوب داوری» ۲ مطرح می نماید. مطابق این مدل، تغییر خودپنداره احتمالاً پیامد افزایش موفقیت و پیشرفت است تا این که متغیری ضروری برای پیشرفت (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

مارش (۱۹۸۴) یک مدل تعادل سازی پویا را مطرح می کند که مطابق آن پیشرفت تحصیلی، خودپنداره و اسناد به خویشتن در یک شبکه از روابط متقابل درهم تنیده شده اند. هم چنین تغییر در یکی از آنها منجر به تغییر در دیگری، به منظور برقراری مجدد تعادل می شود. بنابراین، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره به یک روش تقابلی در یکدیگر تأثیر می گذارند (بیابانگرد، ۱۳۸۰).

ماروگاما ۱ و همکاران (۱۹۸۱) بیان می کنند که علت سومی (برای مثال توانایی یا حمایت اجتماعی) بر پیشرفت تحصیلی و خودپنداره مؤثر است. ممکن است خودپنداره ی توانایی و پیش دبستانی (هر دو) از طریق تجارب غیر تحصیلی مرتبط با توانایی، و یا متغیر سوم دیگری، تحت تأثیر قرار گرفته باشند. بنابراین به صورت نظری الگوهای مختلف علی را می توان مطرح کرد که واقعاً هم وجود دارند. با این حال، چندین مطالعه آزمایشی انجام شده است که روابط علی میان پیشرفت تحصیلی و خودپنداره را مورد آزمون قرار داده است. در یک مطالعه طولی که مشتمل بر چهار گروه بود، ماروگاما و همکاران (۱۹۸۸) پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را در سنین ۹، ۱۲، ۱۵، سالگی و پیش دبستانی کلی آن ها را در سن ۱۲ سالگی مورد اندازه گیری قرار دادند. متغیرهای کنترل کننده، طبقه اجتماعی و توانایی در سن ۷ سالگی مورد اندازه گیری قرار گرفت. آنها هیچ گونه مدارکی دال بر اینکه پیشرفت تحصیلی و پیش دبستانی رابطه علی با یکدیگر دارند، نیافتند و متغیر سومی را (برای مثال طبقه اجتماعی و توانایی)، به عنوان علت پیشرفت تحصیلی و پیش دبستانی بیان می کنند. پتیوم و همکاران (۱۹۸۶) با تجزیه و تحلیل داده های یک نمونه بزرگ از دانش آموزان دبستان و اندازه گیری پیشرفت تحصیلی و پیش دبستانی کلی در فاصله ۲ سال دریافتند که هیچ گونه شواهدی مبنی بر اینکه عملکرد یک متغیر، نسبت به متغیرهای دیگر برجسته تر است، وجود ندارد. آن ها دو توضیح احتمالی در این مورد مطرح می کنند، پیش دبستانی و پیشرفت تحصیلی ممکن است معلول یک متغیر سوم باشند یا اینکه هر دو متغیر به یک سبک چرخه ای تأثیر یکسانی بر یکدیگر دارند.

روحانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود، رابطه خود پنداری و عوامل تشکیل دهنده آن (گرایش به مدرسه، گرایش به همسالان و خانواده) را با موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق ۲۴۰ دانش آموز سوم راهنمایی مرکب از ۱۲۰ پسر و ۱۲۰ دختر شرکت داشته اند که در یک آزمون خودپنداری شرکت نمودند و معدل کل سالانه آنها به عنوان معیاری برای میزان موفقیت تحصیلی استفاده شد. نتایج به وسیله ی ضریب همبستگی پیرسون محاسبه و نشان داد که بین خودپنداری و

پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد و همبستگی به دست آمده برای گروه و پسر متفاوت بود، و در مجموع برای گروه ان میزان همبستگی بیشتری میان خودپنداری و پیشرفت تحصیلی مشاهده شد.

پورشافعی (۱۳۷۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی رابطه پیش دبستانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و پسر سال سوم ابتدایی شهرستان قاین» ۱۶۰ نفر در سه رشته تحصیلی فرهنگ و ادب، ریاضی و علوم تجربی را به روش تصادفی طبقه‌ای، برگزید و از سیاهپی پی دبستانی کوپراسمیت برای سنجش پیش دبستانی آزمودنی‌ها استفاده نمود و نیز معدل دانش آموزان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی آنان در نظر گرفته شد. او با استفاده از همبستگی پیرسون به این نتایج دست یافت که بین میزان پیش دبستانی دانش آموزان و پسر از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. در مورد رابطه بین پیش دبستانی با پیشرفت تحصیلی، با محاسبه روش همبستگی پیرسون ضریب به دست آمده برای آزمودنی‌های پسر ۰/۴۶ و برای آن ۰/۴۹ بود که با مقایسه این ضریب با مقادیر بحرانی ضریب گشتاوری پیرسون، از نظر آماری، معنادار بود. همچنین نتایج آزمون خی دو، با احتمال ۰/۰۱ نیز از این فرض را تایید نمود. بنابراین نتیجه گرفته شده بیانگر این است که میان پیش دبستانی دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و افرادی که پیش دبستانی بالاتری دارند، از نظر میزان پیشرفت در تحصیل نیز در رتبه بالاتری قرار می‌گیرند.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مربیان و کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشتخوار است که تعداد ۱۱۲ کودک به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و ۲۰ نفر مربیان آنان در پژوهش شرکت داده شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل: الف) پرسشنامه محقق ساخته آموزش در دوره پیش دبستانی است که پایایی و روایی آن توسط متخصصان تعلیم و تربیت تایید شده است. ب) مقیاس رشد اجتماعی واینلند که در سال ۱۹۵۳ توسط ادگار دال تهیه و سپس در سال ۱۹۵۶ در آن تجدید نظر به عمل آمده است. این آزمون با توجه به رشد مهارت‌های اجتماعی یا قدرت فردی برای رسیدگی و مواظبت از خود و رفع نیازهایش ساخته شده است.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر، اثربخشی رابطه میان آموزش پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان پایه اول ابتدایی می‌باشد. و همچنین سعی می‌کند که تاثیر هر یک از متغیرها بر عملکرد فرد را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های تحقیق

در بررسی فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر این که بین آموزش پیش دبستانی با رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان سال اول ابتدایی رابطه وجود دارد، نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بین آموزش پیش دبستانی و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان رابطه مثبت معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد؛ به علاوه روابط بین ابعاد آموزش پیش دبستانی با رشد مهارت‌های اجتماعی هم مشخص شده است به گونه‌ای که بین ابعاد سازگاری، مسئولیت‌پذیری استانداردها، پاداش، حمایت و صمیمیت، صراحت سازمانی و رهبری با رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این نتیجه بدان معنا است که آموزش و محیط سازمانی مناسب پیش دبستانی می‌تواند رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان را افزایش دهد و بر عکس آموزش و محیط پیش دبستانی نا مطلوب، رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان را کاهش می‌دهد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

رشد مهارت های اجتماعی		شاخص‌ها	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سازگاری	آموزش پیش دبستانی
۰/۰۰۱	۰/۲۲۵	مسئولیت	
۰/۰۰۱	۰/۳۳۱		

۰/۰۰۱	۰/۳۴۵	استانداردها
۰/۰۰۱	۰/۲۵۶	پاداش مربی
۰/۰۰۱	۰/۲۵۱	صراحت سازمانی
۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	حمایت و صمیمیت
۰/۰۰۱	۰/۲۵۴	رهبری
۰/۰۰۱	۰/۵۶	نمره کل

حال برای بررسی این که « آموزش مربیان قادر به پیش بینی رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان هستند»، از رگرسیون همزمان استفاده شد که یافته‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد ۵۶ درصد از واریانس رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان بوسیله ابعاد آموزش پیش دبستانی این مراکز تبیین می‌شود. شاخص $F=۱۰/۳۲$ با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ هم مبین یک رابطه خطی بین متغیرهای ملاک و پیش بین است.

جدول ۲: تحلیل رگرسیون

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	معناداری	D-W
مهارت‌های اجتماعی	آموزش پیش دبستانی	۰/۵۴۹	۰/۴۱	۱۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۱/۲۵

برای مشخص کردن این که کدام یک از ابعاد آموزشی مربیان بیشترین تأثیر را بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان دارند، ارقام و اعداد جدول ۳ بیانگر آن است که از بین ابعاد جوسازمانی مراکز پیش دبستانی، به ترتیب ابعاد استانداردها، پاداش، رهبری، صراحت سازمانی، حمایت و صمیمیت و سازگاری، می‌توانند اثر معناداری بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان داشته باشد.

جدول ۳: نتایج ضرایب رگرسیون

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	B	T	معناداری
رشد مهارت‌های اجتماعی	سازگاری	۰/۲۴۱	۲/۳۵	۰/۰۴۱
	مسئولیت	۰/۳۳۲	۰/۲۱۵	۰/۰۵۶
	استانداردها	۰/۳۲۱	۲/۲۸	۰/۰۱۵
	پاداش	۰/۲۱	۰/۴۴۲	۰/۰۱۸
	صراحت سازمانی	۰/۲۴۱	۲/۱۱	۰/۰۳۲
	حمایت و صمیمیت	-۰/۲۱۴	-۱/۶۵	۰/۰۴۱
	رهبری	۰/۲۵۶	۲/۲۵	۰/۰۲۸

بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص گردید که میان آموزش‌های پیش دبستانی مربیان و ابعاد آن با رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان کلاس اول رابطه مثبت معناداری وجود دارد و هم چنین از میان ابعاد آموزش مربیان مراکز پیش دبستانی، به ترتیب ابعاد استانداردها، پاداش، رهبری، صراحت سازمانی، حمایت و صمیمیت و سازگاری، می‌توانند اثر معناداری بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان داشته باشند و ۵۶ درصد تغییرات واریانس رشد مهارت‌های اجتماعی را تبیین نمایند.

نتیجه گیری

آموزش و پرورش پیش دبستانی می‌تواند از طریق غنی‌سازی محیطی، کودکان را قادر سازد تا به تجارب ادراکی و ذهنی جدیدی که احتمالاً در محیط معمول خانواده برای آنان امکان‌پذیر نیست بپردازند. در تحقیق حاضر سعی شده است اثرات تجارب پیش دبستانی بر رشد مهارت‌های اجتماعی، هوش و علاقه به مدرسه در دانش آموزان دبستانهای رشتخوار روشن شود. در پایان، بر مبنای یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی برای گسترش برنامه‌های پیش دبستانی به مسئولان و دست‌اندرکاران ارائه گردیده است. مطالعات متعدد در فرهنگهای مختلف نشان داده است که کمبود محرکهای محیطی و عدم امکان تجارب حسی حرکتی و ذهنی، اثرات نامطلوبی بر روند رشد روانی و اجتماعی کودکان می‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۶). بعلاوه، نشان داده شده است که غنی‌سازی محیط از طریق افزایش محرکهای اجتماعی، ادراکی و عاطفی موجب کاهش عقب‌ماندگیهای رشدی حاصل از فقر محیطی می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۷: ۲۰).

گرچه بخش اعظم این تحقیقات متوجه کودکانی است که در محیطهای خاصی از قبیل پرورشگاهها رشد یافته‌اند، یافته‌ها را می‌توان به سایر کودکانی که در محیطهای محروم بزرگ می‌شوند نیز تعمیم داد. برخی از محققین مطرح کرده‌اند که کودکان خانواده‌های فقیر جهان سوم نه تنها از اسباب‌بازی، کتاب و سایر محرکهای فرهنگی روانی محروم هستند، بلکه بطور نسبی امکان انجام بسیاری از فعالیتهای لازم برای رشد حسی-حرکتی، نظیر بازیهای موثر در رشد روانی را ندارند. مادران این کودکان که خود اکثراً بیسوادند از اهمیت بازی در رشد کودکان چندان آگاه نیستند. اثرات اینگونه محیطهای فقیر در سازگاری بعدی کودکان در مدرسه و احتمال شکست تحصیلی آنان نیز مورد مطالعه قرار گرفته است (رسولی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶).

آموزش و پرورش پیش‌دبستانی از جمله نهادهای کلی مداخله جبرانی در اینگونه موارد معرفی شده است. از طریق اینگونه غنی‌سازی محیطی، کودکان می‌توانند به تجارب ادراکی و ذهنی جدیدی که احتمالاً در محیط معمول خانواده برای آنان امکان‌پذیر نیست، بپردازند. در چنین محیط هائی مجموعه‌ای از تجارب اجتماعی، هم از طریق رابطه با سایر کودکان در محیط مساعد، و هم از طریق یافتن الگوهای جدید همانندی(مربیان) در اختیار آنها قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که ارائه برنامه‌های پیش‌دبستانی نه تنها موجب تغییرات کوتاه‌مدت در تواناییهای ذهنی کودکان می‌گردد، بلکه اثرات دراز مدتی نیز بر سازگاری آنان با محیط کلاس و پیشرفت تحصیلی در دوره دبستان برجای می‌گذارد. مختصات اقتصادی اجتماعی خانواده از جمله عوامل عمده موثر رشد روانی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان در نظر گرفته شده است. کودکان قشرهای پائینتر اجتماع معمولاً دارای پیشرفت تحصیلی کمتری هستند. این تفاوتها هم در سطح پیش‌دبستان و دبستان و هم در سطح دبیرستان دیده شده است. بعلاوه، گرچه کودکان طبقات پائین بهنگام ورود به دبستان دارای تواناییهای شناختی کمتری هستند، آنهایی که آموزش پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند در مقایسه با سایر کودکان، توانایی بیشتری از خود نشان داده‌اند. عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های پیش-دبستانی بیشتر بر کودکانی اثر می‌گذارد که نیاز بیشتری بدان دارند، یعنی کودکان قشرهای متوسط و پائین جوامع جهان سوم (محمدی، ۸۶: ص ۵۲).

دوره‌ی پیش دبستان با دوره‌ی مهد کودک تفاوت‌های بسیاری دارد؛ چون در دوره‌ی مهد کودک، کودک صرفاً بازی می‌کند، تغذیه می‌شود و نهایتاً شعر یا قصه یاد می‌گیرد و بعد هم استراحت کرده و سپس آماده ی رفتن به منزل می‌شود. به عبارت بهتر، کودک آموخته است که باید مدت زمانی را در مهد کودک گذرانده و بعد هم به اتفاق والدین راهی خانه شود. از طرفی، مهد کودک معمولاً پذیرای کودکان مادران شاغل یا کودکان خانواده‌های مرفه است؛ در حالی که در دوره‌ی پیش دبستان، کودک با همسالانی از تمام اقشار جامعه مواجه است. در این دوره که امروزه نقش مثبت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد کودک می‌آموزد، نقاشی می‌کشد، قصه می‌گوید و حتی ایفای نقش می‌کند. گذراندن دوره‌ی ۹ ماهه‌ی پیش دبستانی، کودک را آماده می‌کند تا بتواند با مربی ارتباط برقرار نماید. زیرا نخستین مکان جدی که کودک پس از جاداشدن از خانه و خانواده به آن وارد شده و حضور در فضای جدید را تجربه می‌کند، همین دوره است. امروزه با تاسیس مراکز پیش دبستانی که با هدف آموزش، زمینه‌ی مساعدی را برای حضور مادران در جامعه و از طرفی رشد کودکان فراهم می‌کند، دغدغه‌های خانواده‌ها کمتر شده است. این دوره ویژگی‌هایی دارد که به اهم آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود: کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که بتواند به قابلیت‌های عاطفی و اجتماعی آنان غنا

بخشیده و آنها را تقویت نماید. رکن اساسی آموزش کودک در این دوره، مربیان هستند، مربیانی آگاه و توانمند که کودک را دوست دارند. مربی پیش دبستانی باید به این باور رسیده باشد که می‌تواند در کنار خانواده، بخشی از مسئولیت آموزش کودک را برعهده بگیرد. همچنین طراحی فضای فیزیکی مراکز پیش دبستانی باید به گونه‌ای باشد که برای کودک مطلوب، شادی‌بخش و برخوردار از حداقل امکانات لازم باشد. باید وسایل و ابزار، متناسب با سن کودک و قابلیت‌های او فراهم آید. بازی کار کودک است؛ آموزش‌هایی که در مراکز پیش دبستانی به کودکان داده می‌شوند، زمینه‌ی رشد، یادگیری مفاهیم ریاضی، استدلال کردن، خواندن و نوشتن و زبان آموزی را به شکل غیرمستقیم فراهم می‌کنند. محور اصلی در این آموزش‌ها بازی است. بازی کار کودک است. بنابراین باید آن را با ارزش، مثبت و برای کودک ارزشمند تلقی کرد. با فراهم کردن شرایط مناسب این امکان برای کودک مهیا می‌شود. مشارکت والدین در کنار مربی نقش مهمی در آموزش کودک دارد، با توجه به این که سابقاً ورود کودکان به دوره‌ی پیش دبستانی اجباری نبود؛ والدین هنگام ورود کودکان به مدرسه دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شدند که خوشبختانه با پررنگ شدن نقش مرکز پیش دبستانی، والدین به این باور رسیده‌اند که ورود کودک به دوره‌ی پیش دبستانی نه تنها مفید، بلکه ضروری است. البته طبق قانون، تنها گذراندن دوره‌های ابتدایی و راهنمایی اجباری است، اما با توجه به اثرات مثبتی که دوره‌ی پیش دبستانی در پیشرفت تحصیلی کودکان دارد، جلب مشارکت و ترغیب والدین و توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار است (کازمی، ۸۸: ص ۱۷).

درسالهای اخیر والدین، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و مسئولان نظام آموزش و پرورش به تربیت کودکان خردسال توجه خاصی پیدا کرده‌اند. از یک سو والدین سعی بر بهبود رشد و آموزش کودکان خود دارند و از سوی دیگر مسئولین آموزش و پرورش، معلمان و مربیان بر اهمیت آموزش و پرورش دوران کودکی واقف شده و در پی آن هستند که با ارائه طرح‌های جدید اصلاحی و ایجاد امکانات و تسهیلات مورد نیاز بر محتوی برنامه‌های آموزشی و پرورشی کودکان بهبود بخشند. از جمله این اقدامات پیش‌بینی دوره یکساله پیش دبستانی در لایحه پیشنهادی نظام آموزش و پرورش کشور به مجلس شورای اسلامی است. این اقبال و توجه به آموزش و پرورش کودکان خردسال موجب شده است که نظرمحققان و صاحب‌نظران به چگونگی و کم و کیف این آموزش‌ها جلب شود. و تحقیقات و مطالعات مختلفی برای بررسی و اطلاع از تاثیر آموزش و پرورش پیش از دبستان بر ابعاد مختلف رشد و پیشرفت کودکان انجام شود!

شواهد پژوهش موجود نشان داده است که آموزش پرورش پیش از دبستان بر جنبه‌های مختلف رشد جسمانی، شناختی، زبانی، عاطفی، و اجتماعی تاثیر دارد. در موردی نیز تاثیر این نوع آموزش‌ها مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین لازم است کم و کیف و چگونگی برنامه‌های مراکز آموزش و پرورش پیش از دبستان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، تا مشخص شود که آیا محیط کودکان آنها محیطی آرام و مطمئن و سرشار از بازی و نشاط و آموزندگی هستند.

پیشنهادهای:

- ۱- با توجه به نتایج مشاهده شده از تاثیرات این دوره نسبت به گسترش و تاسیس این مراکز در نقاط مختلف کشور به خصوص در مناطق محروم که نیاز بیشتری از این لحاظ احساس می‌شود اقدام شود.
- ۲- مدیران و مربیان پیش دبستانی به عنوان مجریان این مراکز باید مجهز به دانش و معلومات مربوط به آموزش و پرورش کودکان باشند و از آخرین یافته‌های روان شناختی در مورد کودکان اطلاع داشته باشند. و آنها را در برنامه روزانه خود به کار گیرند.
- ۳- یافته‌های پژوهشی حاضر نشان داده است که گذراندن دوره پیش دبستان موجب تقویت رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان می‌شود. از این رو ضروری است محیط پیش دبستان با وسایل و امکانات مناسب تجهیز شوند تا سبب توجه کودکان را فراهم آورد. و احساسات و عواطف آنان را برای جستجو و فعالیتهای اکتشافی برانگیزند. به عبارت دیگر

^۱ مجید فرشاد بررسی تاثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، (پایان نامه کارشناسی) ۱۳۷۷، ص ۱۳۹

ضروری است که ضمن بررسی برنامه مراکز پیش دبستانی نسبت به بازنگری و رفع نواقص این برنامه و بازسازی آن اقدام شود.

۴- در مناطق محروم و محیطهایی که فرصتهای مناسبی برای یادگیری و رشد و تمامیت شخصیت کودک فراهم نشده است مراکز پیش دبستانی با برنامه‌های مناسب و مجهز به وسایل و امکانات مناسب با نیازهای کودک همراه با کارکنان مجرب ایجاد شود تا موجبات آموزش و پرورش کودکان فراهم شود و کمبودهای اجتماعی آنان در محیط مدرسه جبران شود.

۵- در صورت امکان پایه پیش دبستانی جزو پایه‌های اجباری مدارس در آید تا کودکانی که اولیای آنها ضرورت گذراندن این دوره را درک نمی‌کنند از گذراندن این دوره محروم نمانند.

منابع و مآخذ

۱. آقا زاده احمد (۱۳۷۸) پایان نامه، کارشناسی ارشد: تأثیر دوران پیش دبستانی بر رشد عاطفی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در دوره دبستان تهران ناحیه ۱۳.
۲. سارلی، حلیمه و قورچایی، منصور (۱۴۰۰) آموزش پیش دبستانی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبستانی، نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، <https://civilica.com/doc/1239615>
۳. رحیمی، فاطمه (۱۳۹۹) آموزش پیش از دبستان، هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1031104>
۴. اسحاق نیا، حمید (۱۳۷۲) پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر پیشرفت ذهنی، تحصیلی و سازگاری عاطفی، اجتماعی کودکان دبستانی در شهر تربت حیدریه.
۵. بلوم، بنجامین (۱۳۸۳) ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشگاهی (ترجمه دکتر علی اکبر سیف) مرکز نشر دانشگاهی تهران.
۶. پاشا شریفی، حسن (۱۳۷۴) کار تحقیقاتی، ارزشیابی تأثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی و آماده کردن کودکان جهت ورود به نظام آموزش مدرسه.
۷. تشکری، عباس (۱۳۸۵) اثر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی، (نشریه علوم تربیتی) شماره ۸.
۸. دیده‌بان علی (۱۳۸۵) کار تحقیقاتی، بررسی عوامل موثر بر رشد اخلاقی و اجتماعی کودکان در دوره دبستان شهر تهران نواحی ۱ تا ۵.
۹. نوروزی زاده رضا (۱۳۹۲) پایان نامه، بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش از دبستان بر کارآمدی تحصیلی.
۱۰. عباسی عبد الله (۱۳۶۰) کار تحقیقاتی، نقش سازنده آموزش و پرورش قبل از دبستان پیشرفت تحصیلی نواحی ۱۹ گانه تهران شمیران و شهرری.
۱۱. فرشاد، مجید (۱۳۸۸) بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.
۱۲. کرمی محمود (۱۳۹۵) پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی تأسیس رابطه بین آموزش پیش دبستانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهرستان سنندج.
۱۳. قاضی محمد جواد (۱۳۷۵) پایان نامه کارشناسی، تأثیر دوره پیش از دبستان بر رفتارهای اجتماعی و اخلاقی دانش آموزان ناحیه ۳ تهران.
۱۴. مفیدی، فرخنده (۱۳۷۶) اصول و مفاهیم آموزش و پرورش پیش از دبستان، انتشارات پیام نور.
۱۵. مقدم، جواد (۱۳۹۶) پایان نامه کارشناسی، (بررسی تفاوت کودکانی که دوره پیش از دبستان را گذرانیده‌اند با کودکانی که این دوره نگذرانیده‌اند در ورود به دبستان شهرستان اراک ناحیه ۲).